

بازاندیشی انتقادی جریانشناسی

ادبیات معاصر ایران

(نقد و تحلیل کاربست مکتب‌های ادبی)

نویسندگان:

هاله کیانی

غلامرضا پیروز



سرشناسه: کیانی، هاله، ۱۳۶۱-| عنوان و نام پدیدآور: بازاندیشی انتقادی جریانشناسی ادبیات معاصر ایران: نقد و تحلیل کاربرست مکتب‌های ادبی/ نویسندگان هاله کیانی، غلامرضا پیروز| مشخصات نشر: تهران: طرح نو، ۱۴۰۰| مشخصات ظاهری: ۴۱۹ص| شابک: ۱-۱۶۰-۴۸۹-۹۶۴-۹۷۸| وضعیت فهرست نویسی: فیپا| یادداشت: کتابنامه: ص. [۳۹۷] - ۴۱۲| یادداشت: نمایه| عنوان دیگر: نقد و تحلیل کاربرست مکتب‌های ادبی| موضوع: ادبیات فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد/ -- Persian literature 20th century -- History and criticism| موضوع: ادبیات فارسی -- قرن ۱۴ -- سبک‌شناسی/ Persian literature -- 20th century -- Style| شناسه افزوده: پیروز، غلامرضا، ۱۳۴۰-| رده بندی کنگره: ۳۵۲۵| PIR| ۸۷۱۳۲۰۳| ملی‌سانشباتکه رامش| ۸/۰۶۲/۹۰| نی‌ویود ی‌دنبه‌در

www.ketab.ir



عنوان: بازاندیشی انتقادی جریانشناسی ادبیات معاصر ایران /
نقد و تحلیل کاربرست مکتب‌های ادبی /
نویسندگان: هاله کیانی، غلامرضا پیروز | ناشر: طرح نو
نوبت چاپ، سال انتشار: اول، ۱۴۰۱ | شابک: ۱-۱۶۰-۴۸۹-۹۶۴-۹۷۸
طراح روی جلد: آرام یعقوبی | صفحه‌آرا: نازنین نصیری
چاپخانه: الوان | شمارگان: ۵۰۰ نسخه
حق انتشار: همه حقوق محفوظ است |

فهرست

مقدمه.....	۱۱
فصل اول - گفتمان‌شناسی انتقادی دلایل کاربست مکاتب ادبی غربی در	
تفسیر ادبیات معاصر.....	۱۵
۱- کاربست مکتب‌ها و ضعف نقد ادبی.....	۱۵
۲- مکتب‌های ادبی و ویژگی‌های علم در ایران.....	۱۸
۳- مکتب‌های ادبی و تفکر فلسفی.....	۲۱
فصل دوم - تحلیل کتاب‌های ادبیات معاصر از منظر نقد مکتبی.....	
۱- تبارشناسی نوع درک و دریافت مکتب‌های ادبی غربی.....	۲۵
۱-۱ تحول خواهی و تجددطلبی.....	۲۶
۲-۱ تجدد ادبی.....	۳۰
۳-۱ دیالکتیک شعر نو و کهن.....	۳۲
۴-۱ سنت‌گرایان و بحث مکتب‌های ادبی.....	۳۳
۵-۱ دیگری‌سازی از جریان تجدد ادبی و به‌حاشیه‌رانی آن.....	۳۹
۲- تحلیل انتقادی کتاب‌های ادبیات معاصر.....	۴۷
۱-۲ ادامه روند «دیگری‌سازی» از جریان تجدد.....	۴۹
۲-۲ عدم مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی جریان‌ها.....	۵۴
۳-۲ تقلیل‌گرایی؛ چالش‌زدایی و ساده‌سازی جریان‌ها.....	۶۱
۴-۲ فهرست مضامین، صنایع ادبی و... جایگزین تحلیل جریان‌ها.....	۶۴
۵-۲ برگرداندن شعر به نثر.....	۶۷

۶-۲	تأثیر زبان تذکره‌ها در کتاب‌های ادبیات معاصر	۷۲
۷-۲	طرح و تحلیل مفاهیم پایه‌ای	۸۲
۸-۲	نیمّا: قهرمانِ تجدد ادبی	۸۷
۹-۲	مفهوم «معاصر» و تبیین نسبت ایران با جهان مدرن	۹۲
۱۰-۲	نوع تفسیر از «سنت ادبی» در کتاب‌های ادبیات معاصر	۹۴
۱۱-۲	سنت	۱۰۲
۱۲-۲	افسانه‌ی شکل‌گیری ادبیات معاصر با تقلید از ادبیات غرب	۱۰۸
۱۳-۲	مکتب‌های تهی از ایسم	۱۱۸
۱۴-۲	نیمّا: رمانتیسیم؛ سمبولیسم	۱۲۰
۳	هنر نو: ادبیات نو	۱۲۵
	ضمیمه ۱	۱۳۶

فصل سوم - تحلیل انتقادی کاربست مکتب «رمانتیسیم» در ادبیات فارسی ۱۳۷

۱-۱	مکتب رمانتیسیم	۱۳۷
۱-۱-۱	امر متعالی؛ دنیای مثالی	۱۴۲
۱-۲-۱	تخیل	۱۴۷
۱-۳-۱	طبیعت	۱۵۵
۱-۴-۱	احساس	۱۵۹
۱-۵-۱	فردیت	۱۶۳
۱-۶-۱	عشق	۱۶۷
۲	کاربست مکتب رمانتیسیم در جریان‌شناسی ادبیات معاصر فارسی	۱۶۸
۱-۲-۱	طرح و تثبیت «رمانتیسیم» در ادبیات فارسی	۱۶۸
۳	«رمانتیسیم فارسی»	۱۷۶
۱-۳-۱	«مؤلفه‌های رمانتیستی» در «رمانتیسیم ایرانی»	۱۹۸
۱	«طبیعت» در رمانتیسیم ایرانی	۱۹۸
۲	«فردیت» در رمانتیسیم ایرانی	۲۰۲

- ۳- «شهود» در رمانتیسیم ایرانی ۲۰۶
- ۴- «کودکی» در رمانتیسیم ایرانی ۲۰۷
- ۵- «هیجان و احساسات» در رمانتیسیم ایرانی ۲۰۷
- ۶- «مرگ» و «اندوه» در رمانتیسیم ایرانی ۲۰۹
- ۷- «تخیل» در رمانتیسیم ایرانی ۲۱۱
- ۸- «عشق» در رمانتیسیم ایرانی ۲۱۳
- ۹- «نمادپردازی» در رمانتیسیم ایرانی ۲۱۵
- ۱۰- «مخالفت با تمدن» در رمانتیسیم ایرانی ۲۱۶
- ۱۱- رمانتیسیم اجتماعی ۲۱۷
- ارزیابی نهایی ۲۲۷

فصل چهارم- تحلیل انتقادی کاربست مکتب رئالیسم در ادبیات فارسی ۲۲۳

- ۱- مکتب ادبی رئالیسم ۲۲۳
- ۱-۱- جایگزینی تخیل با واقعیت ۲۲۴
- ۲-۱- بازنمایی علمی زندگی ۲۲۵
- ۳-۱- واقعیتی محض، بی طرفی نویسنده، عدم دیدگاه‌های تخصصی ۲۲۵
- ۴-۱- مستندسازی ۲۲۶
- ۵-۱- پرداختن به جزئیات ۲۲۶
- ۶-۱- انتخاب موضوع از زندگی اجتماعی ۲۲۷
- ۷-۱- ناتورالیسم: محصور قدرت علم ۲۲۸
- ۸-۱- انسان فیزیولوژیکی جایگزین انسان متافیزیکی رمانتیسیم ۲۲۹
- ۹-۱- دور کردن رمز و راز از ذهن انسان ۲۲۹
- ۱۰-۱- همانندسازی کار نویسنده با کار دانشمند ۲۲۹
- ۱۱-۱- نظریهٔ وراثت و جبرگرایی ناتورالیسم ۲۴۰
- ۱۲-۱- رئالیسم سوسیالیستی ۲۴۱
- ۲- رئالیسم و دنیای فکری امروز ۲۴۴

- ۲۴۴-۱-۲- مورد پرسش واقع شدن واقعیت.....
- ۲۴۷-۲-۲- نیاز به «تخیل» در کنار «واقعیت» در هنر.....
- ۲۵۰-۳-۲- سادگی بیان، اصل کاهنده تکنیک رئالیستی.....
- ۲۵۰-۴-۲- آینه بودن و تقلید طبیعت.....
- ۲۵۲-۵-۲- تلاش برای ایجاد توهمی از واقعیت.....
- ۲۵۳-۶-۲- رئالیسم مارکسیستی/سوسیالیستی و نقدهای وارد بر آن.....
- ۲۵۵-۳- تحلیل انتقادی کاربست مکتب ادبی رئالیسم و ناتورالیسم بر ادبیات معاصر ایران.....
- ۲۵۸-۴- ابعاد معرفت‌شناختی مفهوم «رئالیسم ایرانی».....
- ۲۵۸-۱-۴- بدیهی فرض کردن مفهوم «رئالیسم».....
- ۲۶۲-۲-۴- «رئالیسم ایرانی»، «تقلیدی از مکتب رئالیسم غرب».....
- ۲۶۶-۳-۴- انواع برداشت‌ها از مفهوم رئالیسم.....
- ۲۶۹-۴-۴- تلفیق رئالیسم با مکاتب دیگر.....
- ۲۷۲-۵-۴- تعهد و ادبیات رئالیستی ایران.....
- ۲۸۰-۵- کاربست رئالیسم در ادبیات معاصر ایران.....
- ۲۸۰-۱-۵- ادبیات رئالیستی بازتاب دادن «واقعیت اجتماعی» در آثار ادبی است.....
- ۲۸۴-۲-۵- «رئالیسم» در بسیاری از این تحلیل‌ها نقشی معنادار ندارد.....
- ۲۸۶-۳-۵- استخراج مضامین رئالیستی.....
- ۲۸۷-۴-۵- به‌حاشیه‌رانی و تقلیل‌ها.....
- ۲۹۵-۶- ناتورالیسم ایرانی.....
- ۲۹۸-۱-۶- استدلال‌ها جهت ناتورالیستی خواندن آثار ادبیات معاصر.....
- ۳۰۱-۲-۶- چوبک و ناتورالیسم.....
- ۳۰۹-۷- واقع‌گرایی و ادبیات معاصر ایران.....
- ۳۰۹-۱-۷- تغییر در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی.....
- ۳۱۱-۲-۷- زنجیره میراث روشنفکری.....
- ۳۱۲-۳-۷- تغییر تدریجی در "نثر" فارسی.....

- ۳۱۳-۴-۷- دموکراسی در هنر.....
- ۳۱۵-۵-۷- تغییر شعر همزمان با نثر.....
- ۳۱۷-۶-۷- آگاهی از تحول «رنالیسم» و «مدرنیسم» ادبی.....
- ۳۱۸-۷-۷- رنالیسم سوسیالیستی.....
- ۳۱۹-۸-۷- تأثیرپذیری‌های تکنیکی.....

فصل پنجم- تحلیل انتقادی کاربست مکتب سوررنالیسم در ادبیات ایران ۳۲۱

- ۳۲۱-۱- دادا و سوررنالیسم.....
- ۳۲۴-۲- سوررنالیسم.....
- ۳۲۵-۳- «سوررنالیسم در ادبیات ایران».....
- ۳۳۱-۴- کاربست سوررنالیسم در ادبیات معاصر.....

فصل ششم- تحلیل انتقادی کاربست مکتب سمبولیسم در ادبیات معاصر ۳۳۵

- ۳۳۵-۱- مکتب سمبولیسم.....
- ۳۴۱-۲- تحلیل انتقادی کاربست مکتب سمبولیسم در جزئیات ادبیات معاصر.....
- ۳۴۱-۱-۲- نوع تلقی از مکتب سمبولیسم در دهه ۱۳۳۰.....
- ۳۴۳-۲-۲- نظریه تقلید.....
- ۳۴۷-۳-۲- نوع تلقی از ماهیت مکتب سمبولیسم در ایران.....
- ۳۵۱-۴-۲- «سمبولیسم در ادبیات فارسی ضعیف‌تر از سمبولیسم غرب».....
- ۳۵۵-۵-۲- جدا کردن اصطلاح از بافت تاریخی آن.....
- ۳۵۸-۶-۲- سمبولیسم: «بیان دردهای اجتماعی با توصیفی نمادین».....
- ۳۶۰-۷-۲- «سمبولیسم اجتماعی».....
- ۳۶۲-۸-۲- سمبولیسم غربی یا نمادگرایی؟.....
- ۳۶۳-۹-۲- ارائه معنای سمبول‌ها به مثابه تحلیل شعر.....
- ۳۷۰-۳- نمادپردازی در شعر معاصر.....

مقدمه

بحث مکتب‌های ادبی در سال‌های اخیر به یکی از ابعاد مهم پژوهش در رشته دانشگاهی ادبیات فارسی تبدیل شده است. سالانه کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات پژوهشی فراوانی نوشته می‌شود که در آنها ویژگی‌های یکی از مکاتب ادبی و هنری غربی بر آثاری از ادبیات فارسی تطبیق داده می‌شود و یا دوره و جریان‌های ادبیات فارسی بر اساس اصول بعضی مکاتب ادبی تحلیل می‌گردد؛ بنابراین می‌توان گفت ادبیات معاصر ایران عمدتاً از طریق کاربرست ساختار مکتب‌های ادبی غرب شناخته و مفهوم‌سازی شده است. بر این اساس برخی از جریان‌های ادبیات فارسی از منظر مکاتبی همچون «رمانیسم»، «سمبولیسم»، «رئالیسم»، «ناتورالیسم» و دیگر مکتب‌های ادبی درک و تبیین شده و در نتیجه درک و دریافتی که از ادبیات معاصر شکل گرفته، در پیوند با مفهوم‌سازی‌های مکتب‌های ادبی است.

این کتاب با بررسی و تحلیل دقیق هر یک از مکتب‌های ادبی، سعی در ارائه تصویری روشن از مبانی و ماهیت این مکتب‌ها داشته تا تفاوت درک و دریافت این مکاتب در ایران و تقلیل‌گرایی و برداشت‌های بعضاً نادرستی که در درک این مکتب‌ها صورت گرفته است روشن گردد. در مرحله بعد، کاربرست هر یک از این مکاتب در جریان‌شناسی شعر و ادبیات معاصر با نگاهی انتقادی تحلیل و بررسی شده است و در پایان نیز آسیب‌های کاربرست مکتب‌های ادبی غرب به عنوان تنها روش و ابزار شناخت ادبیات معاصر فارسی تحلیل و پیشنهادهایی راهبردی ارائه شده است.

یکی از ادعاهای کتاب حاضر این است که تلاش پژوهش‌های ادبی، برای یافتن مشابهت‌ها میان مکاتب ادبی غرب و آثار ادبی فارسی و خوانش جریان‌های ادبیات معاصر بر اساس مؤلفه‌های این مکاتب، انتساب تغییرات و ویژگی‌های

جریان‌های مختلف ادبی به مکاتب غربی و مسلم پنداشتن این تأثیرات، به مثابه سد و مانعی برای شناخت ویژگی‌های خاص ادبیات معاصر فارسی و تحلیل دلایل تغییرات سبکی و ادبی در ایران عمل خواهد نمود. ساختار این پژوهش‌ها اغلب بدین شکل است که با حذف تفاوت‌هایی که یک اثر یا جریان با مکتبی خاص دارد و تأکید بر روی شباهت‌ها، سعی در ایجاد مشابهت و ارتباط بین این دو دارند و شناختی که با چنین فرآیندی شکل گیرد، نه تنها تصویر درستی از ادبیات فارسی به دست نمی‌دهد، بلکه گاه به درک و دریافت اشتباه از جریان و مسیر ادبیات و فرهنگ ایران می‌انجامد. فرایند شکل‌گیری تجدد ادبی و آثاری که به تبیین این تجدد پرداختند در ایجاد این رویکرد مؤثر بوده‌است و به همین دلیل نقد و تبیین این دو مقوله نیز در جهت ریشه‌یابی این موضوع، بخش مهمی از این کتاب را تشکیل می‌دهد. بر این اساس این پژوهش در صدد است به جریان‌شناسی و رفتارشناسی چگونگی اخذ و پذیرش مکتب‌های ادبی غربی در ادبیات فارسی بپردازد؛ این موضوع که طرح این مباحث در اساس به چه دلایلی بوده و بعدها چگونه تغییر کاربرد پیدا کرده و به یکی از سرفصل‌های درسی دانشگاهی، موضوعات پژوهشی و بُعد مهمی از نگاه و نوع شناخت نسبت به جریان‌های ادبیات فارسی تبدیل شده است.

بحث پیرامون کاربرست مکتب‌های ادبی در شناخت و تحلیل ادبیات ایران، عمدتاً از تحلیل ادبیات متجدد بر اساس این مکاتب آغاز شد. این موضوع ریشه در عواملی از جمله «غربی دانستن جریان ادبیات متجدد» دارد که اغلب توسط پژوهشگران ادبی دانشگاهی نسل اول، به عنوان ادبیاتی اروپایی و حتی تقلیدی از غرب تفسیر می‌شد و کمتر تحلیل‌های دقیق و عمیقی از علل تحول ادبی در دوران معاصر در این پژوهش‌ها ارائه شده است. آثاری که غالباً توسط نسل‌های بعدی اساتید و پژوهشگران دانشگاهی بدون رویکردی انتقادی، پذیرفته و تأیید گردید و به عنوان آثار درسی دانشگاهی تدریس می‌شود. از این منظر، یکی دیگر از مسائل مهم این کتاب نقد و تحلیل آثاری است که در تحلیل ادبیات معاصر نوشته شده‌اند تا تبیین گردد که این کتاب‌ها چگونه به جریان‌شناسی ادبیات معاصر پرداخته‌اند و این

جریان‌شناسی‌ها در اثر چه عواملی برای مثال به رئالیستی یا سوررئالیستی دانستن جریان‌های مهم ادبیات معاصر فارسی انجامیده‌است. آثاری که بعدها الگو و جریان‌ساز چنین نگاهی به ادبیات معاصر و حتی تفسیر ادبیات کلاسیک بر اساس این ایسم‌ها گردید. از دیگر پرسش‌های اساسی پژوهش حاضر این است که آیا پژوهش در ادبیات معاصر در عرصه‌های دانشگاهی و غیر آن، دوره‌ای از فعالیت خود را بر روی تبیین و تحلیل دقیق و علمی نسبت فرهنگ و اندیشه ایرانی با مدرنیته غربی و یا بررسی دقیق ویژگی‌های هر یک از مکتب‌های غربی و مقایسه آن‌ها با ویژگی‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری ادبیات معاصر اختصاص داده است که پس از آن بدون دغدغه، جریان‌های ادبی فارسی را بر اساس معیارهای مکاتب ادبی غرب تحلیل و به تقلید از آن منسوب می‌نماید؟ تحلیل انتقادی این رویکردهای کلان که در شکل‌گیری نوع تلقی از ادبیات معاصر و جهت‌دهی به پژوهش‌های ادبی دانشگاهی و غیردانشگاهی بسیار مؤثر بوده‌اند می‌تواند زمینه و بستر جدید و مسیر روشنی جهت هرگونه پژوهش در ادبیات معاصر فراهم و مسأله‌های جدید ایجاد نماید.

بررسی ما نشان می‌دهد کاربرد مکتب‌های ادبی در تحلیل آثار ادب فارسی در میان پژوهشگران دانشگاهی به دلایل بسیاری از جمله ضعف نقد ادبی در ایران در حوزه مفهوم‌سازی و عوامل بسیار دیگری است که در حوزه‌های علم‌سنجی و نقد مبانی رشته ادبیات فارسی در این پژوهش بررسی می‌شود. ویژگی‌هایی همچون تلقی سنتی از علم، «آن» زدگی، رویکرد «کیسول‌وار» به علوم، تقدم تألیف بر ترجمه، تاریخی‌گرایی و در عین حال تاریخ‌زدایی، ضعف تفکر فلسفی عدم تبیین دقیق و علمی نسبت ایران با مدرنیته و غرب در کنار عوامل دیگر موجب ایجاد رویکردهایی خنثی، غیر کاربردی در پژوهش‌های دانشگاهی رشته زبان و ادبیات فارسی گردیده است. در حالی که ادبیات ایران به ویژه در دهه‌های اخیر کمتر در عرصه داخلی و جهانی درخشیده و موفق به شناساندن گذشته درخشان خود نیز به جهانیان نشده است، نقد ادبی دانشگاهی به جای ایفای بخشی از کارکردهای خود به عنوان عامل



محرك ادبیات، نقد جریان‌های مختلف ادبی، گشایش پنجره‌های جدید و روشن کردن مسیر پیش روی ادبیات و ... به رویکردهایی عمدتاً تفننی از جمله تطبیق ویژگی‌های مکاتب ادبی غرب بر آثار ادبی مشغول است، رویکردی که کمتر ثمر و کاربردی می‌توان برای آن متصور بود.

بنابراین بخش اول این کتاب شامل: آسیب‌شناسی ریشه‌های تاریخی نوع درک مکتب‌های ادبی غربی در ایران و تبیین دلایل کاربست این مکتب‌ها در تفسیر جریان‌های ادبیات فارسی است.

بخش دوم به تحلیل انتقادی کتاب‌های ادبیات معاصر از منظر تفسیر جریان‌های ادبیات فارسی بر اساس مکاتب ادبی غربی و نقد کتاب‌های انتشار یافته در زمینه مکاتب ادبی اختصاص می‌یابد.

و در بخش سوم به تحلیل انتقادی هر یک از مکتب‌های ادبی که جریان‌های ادبیات فارسی بر اساس آنها تحلیل و نام‌گذاری شده‌اند پرداخته ایم. در این راستا این مسأله مورد توجه قرار گرفته است که هر یک از مکتب‌های ادبی در اساس چه اهداف و بنیان‌هایی داشته‌اند و کاربست آن‌ها در ایران به چه شکلی بوده است. به نظر می‌رسد بسیاری از مکتب‌های ادبی که در ایران جریان‌های ادبی بر اساس آنها تحلیل و شناخته می‌شوند از ماهیت اصلی خود تهی شده و به یک «اصطلاح» ادبی تقلیل یافته‌اند. در حالی که این مکاتب پسوند «ایسم» همراه خود دارند و غالباً از مجموعه‌ای از اندیشه‌ها هشتیانی می‌کنند. بدین ترتیب در این بخش، این موضوع بررسی می‌شود که برای مثال سمبولیسم نامیدن جریان‌ها و آثاری از ادبیات معاصر تا چه حد با ویژگی‌ها، ماهیت و اهداف سمبولیسم قابل ارزیابی و انطباق است و آیا اساساً می‌توان آن آثار را سمبولیسم دانست یا خیر و چه ویژگی‌هایی از آن آثار و جریان‌ها جهت انجام این انطباق، برجسته و چه ویژگی‌هایی به حاشیه رانده شده است.